

نظام طبیعی اقتصاد سیاسی

اقتصاد ملی و اقتصاد جهانی

تجانس‌ها و تعارض‌ها

فردریک لیست

نظریه‌پرداز آلمانی و بنیانگذار مکتب تاریخ‌یون اقتصاد

ترجمه:

ناصر معتمدی



سرشناسه:

لیست، فردریک، ۱۷۸۹-۱۸۴۶ م.

List, Friedrich

عنوان و پدیدآور:

اقتصاد ملی و اقتصاد جهانی: تجانس‌ها و تعارض‌ها.

مؤلف فردریک لیست؛ ترجمه ناصر معتمدی.

تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷.

۲۹۶ ص.

ISBN 978-964-325-215-1

مشخصات نشر:

مشخصات ظاهری:

شابک:

وضعیت فهرست‌نویسی:

یادداشت:

یادداشت:

یادداشت:

عنوان دیگر:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

شناسه افزوده:

رده‌بندی کنگره:

رده‌بندی دیویی:

شماره کتاب‌شناسی ملی:

The Natural System of Political Economy

عنوان اصلی:

بالای عنوان: نظام طبیعی اقتصاد سیاسی.

کتاب‌نامه به صورت زیرنویس.

نظام طبیعی اقتصاد سیاسی.

اقتصاد.

حمایت‌گرایی.

بازرگانی آزاد.

معتمدی، ناصر، مترجم.

HB ۱۶۵/J ۹ الف ۱۳۸۶

۳۳۰

۱۰۴۷-۷۸

اقتصاد ملی و اقتصاد جهانی

تجانس‌ها و تعارض‌ها

مؤلف: فردریک لیست

مترجم: ناصر معتمدی

ناشر: شرکت سهامی انتشار

چاپ اول: ۱۳۸۷

چاپخانه نگاران شهر: ۱۰۰۰ نسخه

۳۷۵۰ تومان



شرکت سهامی انتشار

فروشگاه و دفتر مرکزی: خیابان جمهوری اسلامی، جنب خیابان ملت، شماره ۱-۲، کدپستی: ۱۱۴۳۹۴۵۱۱۸

تلفن فروشگاه مرکزی: ۳۳۱۱۴۰۴۴، دفتر مرکزی: ۳۳۹۰۴۵۹۲، دورنگار: ۳۳۹۴۸۸۶۲

فروشگاه شماره ۱: میدان انقلاب، بازارچه کتاب، تلفن: ۶۶۴۱۳۶۸۴، دورنگار: ۶۶۹۶۷۱۰۴

WWW.ENTESHARCO.COM

Email: info@entesharco.com

توانا بود هر که دانا بود

«دانائی توانا نیست»

«آنها که خواب کمکهای دلسوزانه دیگر جوامع را

می‌بینند، خدا بیدارشان کند»

تقدیم به جامعه‌ای که قرن‌هاست - با اصرار - خرده نانها را از زیر دست و پا جمع می‌کند که نکند به برکت خدا بی‌احترامی شود.

غافل از اینکه در مغز و روح جوانان ما «برکاتی» (گوهر گرانبهائی) نهفته است که اگر پرورش یافته جلا یابد، کوهها حرکت دهد و دشتها سرسبز و پر برکت نماید و جامعه‌ای مقتدر، معظم، سرفراز و مرفه به وجود آورد.

با این حال علی‌رغم دستور دینمان که «اطلبوا العلم من المهد الا للهد» و «اطلبوا العلم ولو بالصین» را سفارش می‌کند، به خواست سران زورگو، دیکتاتور و خودخواه که منافع خود را در مقابل منافع توده‌ها می‌دیدند، این گوهرهای گرانبها قرن‌ها (به‌خصوص، در دوران قاجاریه) که جهان در حال تحول بود، زیر دست و پای زورگویان پنهان مانده بودند و حتی سرکوب می‌شدند.

بیاییم به این برکت فوق‌العاده پروردگار متعال نیز بیش از پیش التفات داشته باشیم؛ برکتی که به ما بشریت قدرت کیمیاگری می‌دهد و می‌توانیم ناخالصی ۴-۳ تن خاک و سنگ معدن را گرفته از بقیه آن یک تن جت، F14 و F18، ۳۰-۲۰ میلیون دلاری بسازیم. چرا دیگران بله و ما نه؟!

به کسانی که به دعا اعتقاد دارند، توصیه می‌کنم در پایان نماز و یا هر فرصت دیگر، دعای زیر را زمزمه کنند؛ با امید به

توفیق:

«خدایا کمکمان کن. ما را از این همه بدبختی، خشونت، کشت و کشتار، ظلم و زور، در به دری و آوارگی و مقابله جوامع با یکدیگر رهایی ده و به جای آن عشق و محبت، **همبستگی و منافع مشترک** بین آحاد بشر را جایگزین فرما!

دشمنان بشریت و نظامهای دشمنانه را نابود کن و از میان بردار. به دوستان، دوستانان، دلسوختگان و دردمندان کمک کن؛ راهگشایشان باش و راهنمایشان ده، افکار خوب و سازنده در فکر و مغزشان بگذار و شرایط کار است این افکار خوب و مثبت را فراهم آور.»

(تمدن و) مردی نبود فتاده را پای زدن
گر دست فتاده را بگیری مردی (و متمدنی)

بگذار بر انسانها بگیریم

انسانهای این دوران، به زبان عشق تعلیم نفرت می‌دهند. آنان با اینکه خود را سازنده تصور می‌کنند، در واقع به ویرانی و تخریب فرمان می‌دهند. بگذار بر حال آنها بگیریم.

به‌خاطر مأموریت وحشتناکی که به آنها داده شده و آنها آن را با از خودگذشتگی و عشق به بشریت به انجام رسانیده‌اند؛ بگذار بر انسانیت ترحم آوریم.

چون انسانها برای عشق ورزیدن آمدند ولی زندگی را سراسر در دام نفرت و کین تباه می‌کنند!

سن سیمون ۱۸۲۵ - ۱۷۶۰

فهرست

۱۱		مقدمه مترجم
۲۰		مقدمه هندرسن
۳۶		مقدمه فردریک لیست
		فصل اول
۴۶		اقتصاد جهانی
		فصل دوم
۵۰		اقتصاد ملی
		فصل سوم
۵۶		نظریه بنیه تولیدی
		فصل چهارم
۶۰		نظریه ارزش
		فصل پنجم
۶۷		تفاوت بین کشورها و اقتصاد ملی آنها
		فصل ششم
۷۴		کشور مسلط
		فصل هفتم
۷۸		نفع مشترک کشورهای صنعتی در تجارت آزاد
		فصل هشتم
۸۲		مخالفت ملت‌ها با کشوری که بر صنعت و تجارت و دریاها مسلط گشته است

فصل نهم

توان تولیدی کشاورزی در نخستین مرحله توسعه اقتصادی ۸۴

فصل دهم

قدرت تولیدی کشاورزی در مرحله دوم توسعه اقتصادی ۸۸

فصل یازدهم

بنیه‌های تولیدی کشاورزی در مرحله سوم توسعه اقتصادی ۹۶

فصل دوازدهم

توان و بنیه‌های تولیدی صنعت (بخش اول) ۱۰۵

فصل سیزدهم

توان و بنیه‌های تولیدی صنعت (بخش دوم) ۱۱۰

فصل چهاردهم

آیا توسعه صنعت، سرمایه‌ها را از کشاورزی بیرون می‌کشد؟ ۱۱۸

فصل پانزدهم

آیا حمایت از نظریه وضع تعرفه، تولیدکنندگان کالاهای صنعتی را به

انحصارگرانی تبدیل می‌کند که به مصرف‌کنندگان اجحاف کنند ۱۲۴

فصل شانزدهم

آیا اگر بازار داخلی به چنگ تولیدکنندگان بومی بیفتد منافع مصرف‌کنندگان

پایمال می‌شود؟ ۱۲۷

فصل هفدهم

آیا حمایت از کشاورزی ضرورت دارد، و اگر دارد، در چه شرایطی؟ ۱۳۱

فصل هیجدهم

کشاورزی و صنعت در دوره چهارم توسعه اقتصادی ۱۳۹

فصل نوزدهم

توان تولید تجارت ۱۴۳

فصل بیستم

چرا منافع تجاری کشور غیر از منافع تجار منفرد است؟ ۱۴۹

فصل بیست و یکم

حمایت از راه تعرفه ۱۵۷

فصل بیست و دوم	
تعرفه‌ها: ممنوعیت‌ها و عوارض گمرکی بر واردات و صادرات	۱۶۳
فصل بیست و سوم	
در باب تعرفه‌ها	۱۶۹
فصل بیست و چهارم	
گذر از نظام منع واردات به سیاست حمایت از صنعت داخلی	۱۷۵
فصل بیست و پنجم	
گذر از سیاست حمایت به سیاست تجارت آزاد تا حدّ ممکن	۱۸۱
فصل بیست و ششم	
چگونه می‌توان به نحوی شایسته به تجارت آزاد روی آورد؟	۱۸۴
فصل بیست و هفتم	
تاریخ سیاست اقتصادی انگلیس	۱۸۹
فصل بیست و هشتم	
تاریخ سیاست اقتصادی فرانسه	۲۰۶
فصل بیست و نهم	
تاریخ سیاست اقتصادی آلمان	۲۲۰
فصل سی‌ام	
سیاست اقتصادی اسپانیا، پرتغال و ایتالیا	۲۳۳
فصل سی و یکم	
تاریخ سیاست اقتصادی آمریکا	۲۴۳
فصل سی و دوم	
تاریخ سیاست اقتصادی روسیه	۲۵۱
فصل سی و سوم	
مقررات تعرفه از دیدگاه نظریه‌های اقتصادی مختلف	۲۵۳
فصل سی و چهارم	
نظام طبیعی اقتصاد سیاسی	۲۶۶
ضمیمه ۱	
تاریخچه توسعه اقتصادی ژاپن	۲۶۹
ضمیمه ۲	
نابودی صنایع هند و انحطاط کشاورزی	۲۸۷

مشکل ما آنچنان که افلاطون می‌گوید، در طرز فکرمان نیست که در بسیاری موارد نارسایی‌هایی دارد، مشکل در نحوه‌ی شکل‌گیری این طرز فکرهاست که ما را به بیراهه می‌کشاند.

مقدمه مترجم

ملت ایران شایسته عزت و اقتدار خیلی بیشتری در جهان است

ترجمه این کتاب تحت عنوان نظام ملی، نظام جهانی؛ تجانس‌ها و تعارض‌ها، قبلاً به سفارش و همکاری این دلداده تفکرات فردریک لیست کبیر به چاپ رسیده است. چون علیرغم قرارمان این مخلص در آن زمان متأسفانه دور از وطن و خارج از دسترس بودم، در حین ترجمه و چاپ، مراوده و تماس لازم فراهم نبود و در نتیجه در تنظیم و عرضه‌ی نهایی این کتاب اختلاف سلیقه‌هایی دیده شد که برخورد لازم دانستم در ردیف دو کتاب دیگر «نظام ملی اقتصاد سیاسی» و «خطوط کلی نظام آمریکایی اقتصاد سیاسی» که ترجمه‌ی مستقیم خود نگارنده است، این یکی را هم به همان سبک‌ها بار دیگر انتشار دهم.

اصولاً نظریات فردریک لیست، تشریح‌کننده و تعبیرکننده نظام جهانی متکی بر برخورد منافع و مقابله جوامع با یکدیگر است؛ درست

عکس آنچه مکتب اقتصاد کلاسیک بر اساس شرایط فرضی^۱ اصرار به تأکید گمراه کننده آن دارد. او طی بررسی تاریخ اقتصادی کشورهای صنعتی موفق، مثل انگلستان، فرانسه، روسیه، آمریکا، آلمان، و ناموفق، اسپانیا و پرتغال در این کتاب و بطور مفصل تر در کتاب «نظام ملی اقتصاد سیاسی» ثابت می‌کند که این کشورها با پیروی از نظریات کلاسیک‌ها به موفقیت نرسیده‌اند، بلکه بیشتر پیرو نظریات او بوده‌اند. می‌گوید این تئوری‌های برای صادرات است و برای انگلستان و غیره مصرف داخلی نداشته است. (صفحه ۱۷۱ کتاب خطوط کلی... - چاپ اول - زیرنویس شماره ۴۴ دیده شود و نیز در صفحه ۲۰۴ همین کتاب) به همین جهت توصیه صمیمانه او این است که ملت‌ها برای تأمین منافع ملی جدا از دیگران خود، لازمست نسخه کار خود را خود تنظیم و تعیین نمایند. (خط دادن دیگران جز گمراهی نتیجه دیگری ندارد) در این جامعه جهانی قانون جنگلی، کسی (جامعه‌ای) دلش به حال دیگران نسوخته است. ولی توجه داشته باشیم تهیه نسخه‌ای کارساز، احتیاج به آمادگی‌های فرهنگی، فکری و علمی دارد.^۲

۱. فرض اینکه اولاً صلح دایم در جهان برقرار است، ثانیاً حرکت کارگر و سرمایه بین کشورها جریان دارد و مابقی در راه آن نیست، ثالثاً کشورها منافع مشترک دارند و منافع جداگانه مطرح نیست، رابعاً کشورها از قدرت رقابت مساوی برخوردارند و باید با هم آزادانه رقابت نمایند، خامساً تأمین منافع فرد منتهی به تأمین منافع جمع خواهد شد!

۲. از جمله از خود بهرسم چگونه بوده است که کتاب‌های سه گانه فردریک لیست با این همه تأخیر توسط این حقیر ترجمه شده است و نه توسط استادی سرشناس فارغ‌التحصیل از دانشگاه‌های خارجی - غربی یا زیر آموزش استادان ایرانی فارغ‌التحصیل از خارج.

چطور شده که زبانی‌ها حتی قبل از پایان قرن نوزدهم، وقتی به تأسیس دانشکده اقتصاد خود پرداختند از استادان پیرو مکتب تاریخیون (پیروان فردریک لیست، الکساندر هامبلتون و سایر ملی‌گرایان دعوت کردند) و چینی‌ها این کتاب‌ها را از ۱۹۲۰ شروع به ترجمه و مورد توجه قرار دادند. (طبق مستندات معتبر که در کتاب‌های سه گانه می‌توان یافت) و ما

....

چگونه است که جیمز فالوز در کتاب Looking at the Sun

ما اگر می‌خواهیم به کاروان پیشرفتگان بپیوندیم، باید ابتدا در فرهنگمان، طرز فکرمان، دید جهانیمان و بالاخره معرفت و شناخت درست از نادرست، دروغ از راست، دوست از دشمن و ثواب از عقاب بصیرت بیش‌تری پیدا کنیم. باید در میان سایر عوامل فرهنگی نظام گفتگو و مناظره (نه مجادله) میانمان رواج پیدا کند، همفکری و تشکل گسترش یابد و این روحیه عدم تحمل نظر مقابل که از طریق دیکتاتوری‌های تحمیلی چند قرن گذشته - بخصوص در این جهان در حال تحول - در میانمان جا افتاده، کنار گذاشته شود.^۱

در اینجا، بدنیت ابتدا نگاهی به شرایط روز تمدن بشری اندازیم و ببینیم در چه شرایطی می‌خواهیم به معرفت‌ها و شناخت‌ها دست یابیم. پرسیم چرا بشریت طی قرن گذشته متجاوز از یکصد میلیون جوانان فرزانه آرزومند سرباز خود را - عمدتاً در جوامع اروپایی سفیدپوست و به اصطلاح متمدن - همراه با ساکنین شهرهای بمباران شده به قتلگاه‌ها کشید، همچنین تریلیون‌ها ثروت تسلیحاتی (توپ و تانک و هواپیما و غیره) تاسیساتی (خانه،

The Rise of the New East Asian Economy and Political System در صفحه ۱۷۹ می‌نویسد «در حالی که من طی پنج سال گذشته در ژاپن و منطقه جنوب شرقی آسیا مرتباً از فردریک لیست صحبت‌هایی می‌شنوم، در دوران دانشجویی اقتصاد در آمریکا و انگلستان به هیچ‌وجه صحبتی از لیست نبود.»

در اینجا مسلماً منظور این حقیر پوزش طلب، جسارت به استادان ایرانی نیست، بلکه تحقیر نظام جهانی و مغزشویی‌های منش از آن است؛ به مصداق گفته افلاطون در آغاز پیشگفتار.

در جوامعی که - طبق مطالب مورد اشاره در فوق - اینهمه سرمایه‌گذاری در کشت و کشتار و زور و ظلم را برای تأمین منافع خود جایز می‌شمارند، چه اشکالی دارد - اگر می‌توانند - ما مبتدیان را منحرف و گمراه کنند؟

۱. در میان ما هرکس نظر خودش را دارد و در راه اجرای نظر خود - جدا از دیگران - چه بسا متعصبانه تلاش می‌نماید. در میان ما نظامی، فرهنگی، وسیله‌ای که به پختگی فکری ما، به تجانس و همفکری ما و تشکل ما کمک کند، تقریباً وجود ندارد؛ پرسیم چرا و عوامل منفی را از میان برداریم و عوامل مثبت را جانشین نماییم.

کارخانه، مدرسه، مریضخانه و...) که نابود شدند. چرا بشریت طی سال ۲۰۰۳، خود را متعهد به خرج بودجه‌ای متجاوز از یک تریلیون (هزار میلیارد) دلار هزینه‌ی تسلیحاتی - نظامی نموده (آمریکا به تنهایی بیش از ۴۰۰) ولی اکراه دارد یک دویستم یا نیم درصد این مبلغ (حدود پنج میلیارد دلار) آن را خرج خرید ۱۵-۲۰ میلیون تن گندم و سایر کالاهای کشاورزی روی دست زارعین مانده کند و سالیانه حدود ۸۰ میلیون قحطی زده جهان را از مرگ نجات دهند؛ چرا این همه سخاوت در کشت و کشتار و این همه خساست در همدردی و لطف و مرحمت به سایرین؛ چرا این همه فاصله میان منافع جوامع از یکدیگر؟

چرا فردریک لیست، در کتاب‌های سه گانه خود می‌گوید «انگلیس‌ها در زمان تسلط خود بر آمریکا، حتی اجازه نمی‌دادند میخ نعل اسب برای اسب‌های مزارع و فعالیت‌های زراعی در آمریکا ساخته شود» و در همان صفحه می‌گوید «قدرتمندان وقتی به بالای بام می‌رسند، نردبان را با پا می‌زنند تا دیگران بالا نیایند» (صفحه ۴۱۰ - کتاب نظام ملی... چاپ اول و دوم).

متمدنین، حامیان حقوق بشر و آزادیخواه طبق تعریف این کلمات باید به نیازمندان، درماندگان و ضعفا کمک و همراهی کنند، نه آنکه آن‌ها را به استثمار کشید، تحقیر کنند، سرکوب کنند، به جان هم اندازند و جلوی رشد و تعالی‌شان را بگیرند.

معنی استثمار و استعمار چیست و چگونه بوده است؟ از چه نظر هندوستان، بقول سرگوراوزلی از سیاستمداران طراز اول این کشور متمدن، گوهر امپراتوری بشمار می‌رفته که باید برای حفظ آن ایران همیشه ضعیف نگهداشته شود تا آن را نیز بتوانند بهتر بچاپند!

۱. تصور می‌فرمایید وقتی حدود ۳۵۰ سال پیش، نهضت مذهبی پیوریتن‌ها به رهبری کرامول، چارلز اول پادشاه انگلستان را بخاطر کمک خواستن از خارجی‌ها برای حفظ

چرا در ایران سلسله افشاریه و زندیه از نسل اول به دوم نمی‌رسند و افرادی نظیر قائم مقام، امیرکبیر و مصدق بیشتر از دو سه سال دوام نمی‌آورند و سلسله قاجاریه در عصر تحولات جهانی، نزدیک به ۱۵۰ سال در ایران حکومت می‌کنند. تصور می‌کنید اگر فرضاً ناصرالدین شاه بعد از آنکه امیرکبیر چطور و چطور را رگ زد، خودش بعداً می‌خواست در راه سازندگی امیرکبیر قدم بگذارد (سماور ساز ماهر تربیت کند و نه کور مستحق علیل آقاخان نوری)، حکومتش از دو سه سال تجاوز می‌کرد؟!

لیست در سرتاسر کتاب‌های سه گانه خود، تأکید بر رشد صنعتی و افزایش قدرت تولیدی دارد. طی چهار فصل در این کتاب، و در جای جای دو کتاب دیگر، جایگاه کشاورزی را در این رابطه مشخص می‌کند و می‌گوید تنها در سایه یک نظام پیشرفته سازماندهی، مدیریتی، علمی، تکنولوژیکی، فرهنگی (مجموعه نظام صنعتی) می‌توان به یک کشاورزی پربازده دست یافت. غیرممکن است در جهان کشوری یافت که بدون بخش صنعتی کارا، از کشاورزی برجسته‌ای برخوردار باشد. مترجم اضافه می‌نماید که اگر کشوری برای تهیه کود، سم، ماشین آلات کشاورزی از جمله تراکتور، کامباین، پمپ آب، آسیاب آرد و غیره و غیره به خارج متکی باشد، به کشاورزی چنین کشوری خودکفا نمی‌گویند؛ کشاورزی مونتاژی که خودکفایی نیست و اگر جامعه‌ای قادر است برای کشاورزی پیشرفته خود (غیر سایر عوامل تعیین کننده فوق) چنین کالاهایی را تهیه نماید، چرا اتومبیل، یخچال، رادیو، تلویزیون و وسایل تسلیحاتی و غیره و غیره برای مصرف داخلی و صادرات تهیه ننماید؟!

اگر مزیت نسبی تعیین کننده خط مشی کشورهای موفق بوده است.

تاج و تخت خود گردن زدند، یک سوپر باور متمدن، حامی حقوق بشر و مروج آزادی خواهی! در جهان پیدا می‌شد و با کودتایی کرامول و همراهانش را به جای چارلز اول گردن می‌زد - و این کار کلاً تکرار می‌شد - کار دموکراسی نمونه انگلستان به کجا می‌کشید!

چرا برای مثال آمریکا با چندین برابر امکانات سرانه کشاورزی (اراضی کشاورزی فوق العاده - کلاً طبیعی با آب و خاک مناسب و نه مصنوعی از طریق سدها، شبکه های آبیاری و زهکشی و غیره آنهم بطور محدود) به این مزیت چشمگیر کشاورزی قانع نبود و بخصوص از زمان رییس جمهور لینکلن (حدوداً همزمان با امیرکبیر عالقدر ما) در جهت رشد صنعتی گام هایی بزرگ برداشت (امیرکبیر هم می خواست)، اما هر دو توسط عوامل انگلستان، حامی حقوق بشر و آزادیخواه ترور شدند. منتها آمریکایی ها کم و بیش راه لینکلن را ادامه دادند ولی ما بخاطر نظام پادشاهی تحمیلی که مجال تفکر و سازماندهی به ما نمی دادند و ما را حتی المقدور در پیوادی محض و بی خبر از تحولات جهانی نگه می داشتند، حتی به قهقرا رفتیم.^۱

آمریکا همچنین با آن همه منابع کشاورزی فوق العاده، از درآمد سرانه ۳۵ هزار دلاری خود (در سال ۲۰۰۳) تنها حدود دو درصد (کمتر از ۱۰۰۰ دلار از طریق کشاورزی پرحاصل، پربازده و پیشرفته خود عاید می نماید). همین سؤال در مورد سایر کشورهایی که بعد از انگلستان و فرانسه (پیشتانان رشد صنعتی) به کاروان کشورهای صنعتی پیوستند صادق است؛ چرا اینها به مزیت نسبی این دو کشور اعتبار ندادند و در راه صنعتی شدن خود قدم برداشتند؟

در مورد آزادی تجارت و رقابت - بخصوص بین کشورها - آیا می توان تصور نمود قدرت یک کشور پیشرفته صنعتی با یک کشور تازه به فکر افتاده

۱. داستان زندگی سمورساز ماهر امیرکبیر و کور مستحق علیل آقاخان نوری خاک بر سر را در کتاب زندگانی امیرکبیر به قلم حسین مکی مطالعه فرمایید. مسلماً ۳۰ تومان کسری بازپرداخت سمورساز، برای حکومتی که ۱۵۰۰ نفر عضو در حرمسرای خود داشت و دخترانش سالی ۴ هزار تومان حقوق دریافت می کردند و رئیس الوزرایش چهار برابر رئیس الوزراء انگلستان از خزانة دولت حقوق برداشت می کرد، بار سنگینی نبود؛ امپریالیست ها می خواستند به ملت بخت برگشته ما بگویند فضولی موقوف؛ دنبال صنعت و قدرت تولیدی نروید؛ بدبخت می شوید!!!!

قابل قیاس است. تمامی اصرار فردریک لیست حمایت از صنایع نوزاد از طریق گوناگون می‌باشد تا آن‌ها را برای رقابت نهایی آماده کنند.

در خاتمه لازمست یادآور شود که در این نظام جهانی، امید به اینکه جامعه‌ای منفرداً انقلاب کند و حکومتی دمکرات و ملی‌گرا را جانشین نماید و جمعی از نخبگان درجه یک جامعه را برای تعیین سرنوشت جامعه بر سر کار آورد، انتظاری بی‌جاست. یک شبه این کار مقدور نیست. متمدنین پیرو قانون جنگل برای این چنین حکومت‌ها - حتی اگر فرضاً واقعیت یابد - انواع سنگ انداخته، چاه‌ها می‌کنند و موانع ایجاد می‌کنند. بقول معروف همان سیاست فشار از خارج و توطئه از داخل به موقع اجراء گذاشته خواهد شد. مثل همان سیاست زمان مصدق. از خود بهر سیم چرا حکومت‌هایی به رهبری مصدق، ناصر، نکرومه، لومبا، سوکارنو، آلینده، بوتو و غیره و غیره همراه با میلیون‌ها پیروان آن‌ها سرکوب و نابود شدند و عده‌ای خائن و در خدمت جانشین آن‌ها گردیدند.

به نظر می‌رسد انقلاب و تحولات جداگانه جوامع امروزی کافی نیست؛ باید در پی تحولی جهانی باشیم؛ مرزها از میان برداشته شود و نه تنها حرکت سرمایه و کالا بلکه حرکت کارگر نیز مجاز شناخته شود (و تئوری‌های کلاسیک‌ها عملاً واقعیت یابد) و منافع مشترک بین جوامع حاکم گردد.

عده‌ای اصرار بر این دارند که در ایران حکومت روحانیون انتخاب ما نبوده است. همه درها بر روی ما بسته بود. (ملی‌گراها، چپیها، راستی‌ها و غیره) و فقط به این گروه میدان داده شد؛ در آن زمان که کمونیسم هم مطرح بود. با همه احوال حتی اگر این فرضیه کمی هم درست باشد، این‌ها ایرانیند و از ما هستند. مسلماً کارشان بدون عیب نبوده است، ولی جا دارد تدریجاً سعی در اصلاح و تعالی همین حکومت داشته باشیم. طی چهارصد پانصد سال تاریخ معاصر ایران، غیر از ۱۰-۱۲ سال اول حکومت نادرشاه و دوران حکومت کریمخان زند، ما حکومتی با این استقلال رأی ایرانی نداشته‌ایم. به

توطئه‌ها و دسیسه‌های جوامع دیگر نسبت به خودمان هوشیار باشیم و سعی کنیم (با همه مشکلات رو در رو) اصلاحات لازم در راهکارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به وجود آوریم.

تنها توسعه مدارس، دانشگاه‌ها و وسعت گرفتن رسانه‌های رادیو تلویزیونی و انتشاراتی کافی نیست. باید به ماهیت و محتوای این برنامه‌ها نیز توجه کافی داشته باشیم. وعاظ ما، استادان و دبیران دانشگاه‌ها و دبیرستان‌های ما باید به جوانان ما در سرتاسر کشور اهمیت نقش نظم و انضباط، قیدو بند، توجه به اصول و قانونمندی و ملاحظه‌ی دیگران را مرتباً یادآور شوند و ما را از سوءاستفاده از یکدیگر و تباهی دور نگهدارند. بی‌سلیقه‌گی، بی‌بندوباری، لابی‌گیری، به هم ریختگی ما را بجایی نمی‌رساند. وعاظ ما بخصوص - خوب است برای توده‌های میلیونی ما بگویند اگر ما پیرو بی‌بندوباری، بی‌قیدی، لابی‌گیری و بی‌ملاحظه‌گی به دیگران و سوءاستفاده نابجا از آن‌ها باشیم، نه تنها آخرت ما جهنمی خواهد شد، بلکه همین دنیای رقابتی و قانون جنگلی ما هم به جهنم تبدیل خواهد شد. پس...

وقتی از فردریک لیست آلمانی صحبت می‌کنیم و می‌خواهیم از نظریات او پیروی کنیم. به یاد داشته باشیم او یک آلمانیست و آلمانی‌ها شاید منضبط‌ترین، مقیدترین و دیسیپلینه‌ترین جامعه جهانی به شمار می‌آیند. علت عمده موفقیت آن‌ها همین فرهنگ سازنده و تحول‌جویانه بوده است؛ کدام کشور بی‌بندوباری را سراغ دارید که به تعالی و عزت و عظمت رسیده باشد. اگر می‌گوییم کشاورزی در یک کشور عقب مانده، هرگز به قدرت تولیدی و بهره‌برداری مورد انتظار نمی‌رسید، دقیقاً همه بخش‌های دیگر و جامعه بطور کلی از این مزیت بی‌بهره خواهند ماند و درماندگی، بی‌معرفتی و نارسایی همه جا حاکم خواهد بود؛ به امید روزی که به این نارسایی‌ها هوشیار شویم و ایرانی در شأن این جامعه پراستعداد در صحنه جهانی جلوه‌گر سازیم. از

سید جمال‌الدین اسدآبادی نقل است «در غرب از اسلام خبری نیست ولی مسلمان خیلی دیدم. برعکس در ایران و شرق از اسلام خیلی می‌شنویم ولی مسلمان کم یاب است»!

ما ایرانیان هر جا فرصت یافته‌ایم به بهترین نحو ظرفیت ابتکاری، سازندگی، تولیدی خود را به منصفه ظهور رسانیده‌ایم. چرا در کشور خودمان نه؟ ببینیم مشکل چیست و برای رفع آن اقدام عاجل بنماییم.

فردریک لیست به نظام ارشادی حکومتی بسیار اعتقاد دارد و نقش دولت را (و نه دست نامریی را) در سازندگی، تحول جویی و رشد تعالی و همچنین برعکس بسیار مؤثر می‌داند. بیاییم به جای سماورسازان کورِ مستحقِ علیل آفاخانی، صنعتگران، محققان و تحول‌جویان ماهر مولد، فعال و پرتولید به وجود آوریم.

پیشنهاد می‌کنم بخصوص این کتاب از کتابهای سه‌گانه فردریک لیست جزو دروس دانشکده‌های اقتصادی کشور قرار گیرد. در این مورد هیچ‌گونه حقی برای خود قایل نیستم.

مقدمه هندی‌سن

مترجم انگلیسی کتاب از آلمانی

فردریک لیست، اقتصاددان و روزنامه‌نگار برجسته نیمه اول سده نوزدهم آلمان، یکی از نخستین و پرحرارت‌ترین منتقدان مکتب اقتصاد کلاسیک بود. وی مکتب جهانی و فراملی^۱ آدام اسمیت و پیروان او را به باد انتقاد گرفت و به دفاع از مکتب اقتصاد ملی^۲ که ابتدا آن را مکتب اقتصاد «طبیعی» نامیده بود برخاست. لیست می‌گفت که تجارت آزاد جهانی، آرمانی است که باید در آینده‌ای دور تحقق یابد، اما در حال حاضر هر کشوری باید با ممنوعیت، حتی وضع حقوق گمرکی بر واردات، یارانه و قوانین حمل و نقل دریایی، صنایع خود را زیر پر و بال بگیرد به نحوی جریان واردات کالاها، از کشورهای صنعتی پیشرفته‌تر محدود گردد.

فقط از چنین راه‌هایی است که کشورهایی مانند فرانسه، آلمان، روسیه و آمریکا می‌توانند امیدوار باشند که روزی به سطحی از قابلیت و کارایی اقتصادی برسند که بتوانند در شرایط برابر با بریتانیا که در آن روز با فاصله‌ای

1. Cosmopolitan School

2. National Doctrine of Economics

زیاد از دیگران پیشرفته‌ترین کشور صنعتی جهان بود رقابت کنند.

فردریک لیست از نوع منتقدانی نبود که هیچگاه در میدان عمل نبوده و فقط بلندند حرف بزنند. وی در بحث‌ها و جدال‌های مربوط به امور مالی در آمریکا و آلمان فعالانه شرکت کرده بود. او که بین سال‌های ۱۸۲۵ و ۱۸۳۲ (جز یک سال) در آمریکا می‌زیست، در کشمکش بین طرفداران حمایت از صنایع داخلی و طرفداران تجارت آزاد که به وضع قانون تعرفه جدیدی در ۱۸۲۸ انجامید درگیر شده بود.

او از مبارزه تبلیغاتی انجمن حمایت از تولید صنعتی و تکنولوژی داخلی فیلادلفیا به شدت پشتیبانی کرده بود، در نامه‌هایی به چارلز انگرسل که در ۱۸۲۷ در نشنال گازت فیلادلفیا چاپ شدند، به نفع حمایت بیشتر از صنایع آهن و پارچه‌بافی آمریکا سخن گفته بود.^۱ این نامه‌ها در همان سال با عنوان «خطوط کلی نظام آمریکایی اقتصاد سیاسی» منتشر شد.

فردریک لیست در آلمان پیشگام تلاش به نفع حمایت و محافظت از صنایع ملی بود. لیست جوان در ۱۸۹۱ از طرف اتحادیه‌ای از بازرگانان آلمان شرحی خطاب به مجلس فدرال تهیه کرد که در آن خواسته بود تا ایالت‌های آلمانی اتحادیه‌ای گمرکی تشکیل دهند و «برپایه معامله به مثل در رابه با کشورهای خارجی تعرفه وضع کنند.» وی به مدت هیجده ماه در راه حمایت از اتحادیه بازرگانان دست به تلاشی خستگی‌ناپذیر زد و برای پیشبرد هدف‌های آن کوشش فراوان نمود. بعدها، در دهه ۱۸۴۰، در نخستین سال‌های تأسیس اتحادیه گمرکی آلمان، ندا داد که تولیدکنندگان کالاهای صنعتی آلمان هم‌اورد رقیبان بسیار کارآمد انگلیسی نیستند و در بازار کشور خود نیازی مبرم به حمایت گمرکی دارند. به نظر وی اتحادیه گمرکی در ۱۸۴۳ با پذیرش تعرفه سال ۱۸۱۸ ایالت پروس، که بسیار لیبرال بود مرتکب

۱. این نامه ۱۲ نیز توسط اینجانب تحت عنوان بالا در سال ۱۳۸۱ ترجمه و انتشار

یافته است.

خطایی بزرگ شد.

کتاب لیست با عنوان نظام ملی اقتصاد سیاسی: تجارت بین‌المللی، سیاست بازرگانی و اتحادیه گمرکی آلمان که در ۱۸۴۱ منتشر شد، به عنوان بیانیه (مانیفست) حمایتگران پذیرفته شد. بعد از درگذشت فردریک لیست طرفداران حمایت از صنایع داخلی دلیل‌هایی را که برای توجیه تقاضای خود نسبت به افزایش تعرفه‌ها نیاز داشتند در نوشته‌های او یافتند. در ۱۸۸۹ کنت ویت^۱ سه سال پیش از اینکه به وزارت دائمی روسیه منصوب شود، نوشت که کتاب‌های لیست در همه دانشگاه‌های آلمان مطالعه می‌شد و روی میز تحریر بیسمارک قرار داشت. در ۱۹۰۹ هیرست^۲ اعلام کرد که «اگر بگوییم که بیشتر ایده‌هایی را که مبنای تعرفه‌های امروزی است، چه در قاره اروپا و چه در قاره آمریکا، لیست ارائه نموده است، اغراق نکرده‌ایم.»

اما پیروان لیست با نظریه‌های مرشد خود به شکل ناقصی تا کردند. آنان ژرف‌نگری تعلیمات لیست و استحکام دلایل او را ستودند اما به جای اینکه اندرزها و توصیه‌های او را به تمام و کمال دنبال کنند جنبه‌هایی از نظریه‌های او را که منظور فوری آنان را تأمین می‌کرد پذیرفتند و بقیه را رها کردند. برای مثال لیست فقط خواستار ضمانت و محافظت از کالاهای صنعتی شده بود و توصیه می‌کرد که مواد خام و محصولات کشاورزی از حقوق گمرکی معاف باشند. اما در عمل هر وقت که کشوری به حمایت محصولات داخلی خود برخاسته، مالکان و کشاورزان خواستار برخورداری از مزایای مشابهی شده‌اند و با اینکه وضع مالیات بر مواد غذایی معمولاً قیمت آن را برای خانوارها بالا می‌برد، کمتر دولتی پیدا شده است که بتواند در برابر تقاضای دینفعان بخش کشاورزی نسبت به حمایت از محصولات این بخش مقاومت کرده باشد. گذشته از این کمتر حمایتگری پیدا می‌شود که به نص صریح پیش‌بنی فردریک لیست که تولیدکنندگان باید آماده باشند که روزی

درآینده، دیگر به حمایت گمرکی یا یارانه نیاز نداشته باشند، وفادار بمانند. فردریک لیست مدافع حمایت از صنایع «نوزاد» و نوپا در نخستین سال‌های عمرشان بود تا به آن‌ها فرصتی داده شود که قابلیت فنی و کارآیی اقتصادی خود را به پای صنایع کشورهای پیشرفته برسانند. وی اذعان داشت که به هر حال تا مدتی جز این گریزی نیست که مصرف‌کنندگان تا حدی ایثار کنند، زیرا چاره‌ای نخواهند داشت جز این که از خرید کالای مرغوب به قیمت نسبتاً ارزان دست بکشند و برای کالاهای نامرغوب‌تر بهایی بیشترپردازند.^۱

اما اگر صنایع «نوپا» سال‌ها هم مورد حمایت قرار گیرند، کمتر دیده شده است که صاحبان صنعت بپذیرند که صنعت‌شان به مرحله بلوغ رسیده و دیگر احتیاجی به حمایت ندارد. غالباً نیت کسانی که صنایع «نوپا» را با وضع تعرفه‌های گمرکی حمایت می‌کنند، این است که عوارض گمرکی دوره‌ای محدود داشته باشد و وقتی که صنعت پا گرفت، کاهش یابد یا حتی لغو گردد. در عمل صنایع «نوپا» همیشه نوپا باقی می‌مانند و تعرفه‌هایی که برای حمایت از آن‌ها وضع شده است دایمی می‌شوند. نیت لیست به هیچ‌وجه این نبود. فردریک لیست تجارت آزاد جهانی را در آینده ممکن می‌دانست. ولی مریدان و پیروان او به‌ندرت خوش‌بینی وی را داشتند.

لیست علاوه بر «خطوط کلی نظام آمریکا اقتصاد سیاسی» و نظام ملی اقتصاد سیاسی، کتاب سومی هم داشت که از کارهای افتخارآمیز اوست اما این کتاب نود سال بعد از تألیف منتشر گشت.^۲ نظام طبیعی اقتصاد سیاسی همین کتاب موجود است که در پاییز سال ۱۸۳۷ در پاریس نوشته شد. وقتی

۱. باید توجه داشته باشیم، قسمت عمده ارزش کالای گرانتر در کشور خودی به جیب کارگران و سرمایه‌گذاران داخلی می‌رود، در حالی که ارزش کالاهای ارزانتر، عمدتاً به جیب اقتصاد کشوری دیگر می‌رود.

۲. یوزن دوایکتال در ۱۵ مارس ۱۹۱۳ بر اساس دستنویس «نظام طبیعی اقتصاد سیاسی» در آکادمی علوم سیاسی و اخلاقی فرانسه سخنرانی کرد. این دستنویس در ۱۹۳۷ چاپ و منتشر شد.

که لیست در پایان اکتبر به پاریس آمد قصد نداشت که مطالعات اقتصادی خود را از سر گیرد. در عرض چهار سال گذشته کوشیده بود تا بنای راه آهن را در آلمان تشویق نماید و به ویژه برای کشیدن راه آهن بین لایپزیک و درسدن بسیار فعالیت کرده بود. وقتی که از گرفتن پستی در راه آهن دولتی یا ریاست یکی از شرکت های راه آهن نومید گشت، آلمان را به قصد اقامت در پاریس ترک کرد. او امیدوار بود که توجه فرانسویان را به نقشه های خود درباره بنای خطوط راه آهن فرانسه جلب کند.

لیست اندکی بعد از ورود به پاریس خبر شد که آکادمی علوم سیاسی و اخلاقی سؤالی را مطرح کرده و برای کسی که بهترین پاسخ ها را بدهد جایزه ای تعیین کرده است. سؤال این بود که «اگر کشوری بخواهد به تجارت آزاد روی آورد یا تعرفه های خود را عوض کند، چه عواملی را باید به حساب آورد تا منافع تولیدکنندگان و مصرف کنندگان به عادلانه ترین وجه ممکن با یکدیگر سازگار گردد؟ با این که آخرین مهلت ارائه رساله ۳۱ دسامبر ۱۸۳۷ تعیین شده بود، لیست تصمیم گرفت که در آن مسابقه علمی و فکری شرکت کند و بنابراین دستنویس رساله با شتاب به پایان رسید. او در ۲۲ نوامبر به همسرش نوشت که روزی پانزده ساعت کار می کند تا رساله را به موقع تمام کند. وقتی که دستنویس رساله را به آکادمی برد به او گفته شد که مهلت تحویل رساله یک هفته تمدید شده است، بنابراین توانست آخرین تجدیدنظرهای ممکن را در چنین مهلتی انجام دهد. در یادداشتی طولانی که بر فصل چهارم رساله افزود، نوشت که تنظیم رساله در چهل روز انجام شده است. لیست در ۱۸۴۱ نوشت که «چون نوشته های قبلی خود را نداشتم ناگزیر بودم که از حافظه خود کمک بگیرم.» اما وی برای تهیه رساله، بیش از سی کتاب را خوانده یا مرور کرده بود. در بررسی دستنویس لیست، آثار نتایج رایج نویسندگانی برجسته مانند کینگ، آندرسون و آدام اسمیت درباره

انگلیس، شاپتال، دوپن، سه^۱ و فریر درباره فرانسه، اوزتاریس، یولوآ درباره اسپانیا و الکساندر هامیلتون و ماتیوکری درباره آمریکا و استورچ درباره صنعت و تجارت روسیه در بین این کتاب‌ها دیده می‌شود.

فردریک لیست، در نوشتن رساله خود تحت تأثیر راهنمایی‌هایی قرار گرفت که اقتصاددان معروف، شارل دوپن از طرف آکادمی به شرکت‌کنندگان در مسابقه داده بود. دفترچه راهنمای دوپن پرسش‌هایی طرح می‌کرد که وی انتظار داشت شرکت‌کنندگان به او پاسخ دهند. آیا درست است که اجازه داده شود تا واردات کالاهای ارزان خارجی به نام تجارت آزاد شاخه‌ای از صنعت داخلی را نابود سازد؟ آیا باید صنایعی که در دوره جنگ ایجاد شده‌اند تا مقداری از کمبود کالاها را تأمین کنند، پس از پایان گرفتن دشمنی‌ها به فراموشی سپرده شوند؟ آیا این به سود منافع ملی است که صنعتی که نمی‌تواند با رقیبان خارجی به سبب دستیابی آن‌ها به تکنولوژی جدید و اختراع ماشین‌های کارآمد، رقابت کند، مورد حمایت قرار گیرد؟ و آیا دولت باید رشد یک صنعت جدید را از راه وضع تعرفه‌های حمایتی و با تشویق مکانیک‌های ماهر خارجی به اقامت در فرانسه، زیر پروبال خود بگیرد؟ لیست کوشش کرد تا پاسخ این پرسش‌ها و پرسش‌های دیگر دوپن را بدهد.

آکادمی علوم سیاسی هیچ یک از ۲۷ مقاله رسیده را مستحق دریافت جایزه تعیین شده ندانست و بر شرکت‌کنندگان خرده گرفت که به سؤالی که شده است پاسخ نداده‌اند؛ از سیاست آزاد و کامل تجارت و یا از حمایت کامل صنایع داخلی دفاع کرده‌اند. با وجود این سه مقاله «کار در خور توجه» تشخیص داده شدند و یکی از آن‌ها حاوی شعار «ملت، بخشی از جامعه بشری» بود. این همان رساله فردریک لیست بود. لیست از این که به جایزه دست نیافته بود سخت ناراحت شد. او به این پول نیاز داشت و دریافت پاداش از یک مؤسسه علمی معتبر اروپا بر شهرت و اعتبار او می‌افزود. و

انتشار مقاله‌ای که جایزه را برده بود، موقعیت او را به عنوان اقتصادشناس تثبیت می‌کرد. لیست از اینکه داوران سخنان او را در نظام طبیعی اقتصاد سیاسی نفهمیده‌اند به خشم آمد. در نامه‌ای به کوتاگله می‌کند که آکادمی نه فقط جایزه را به او اهدا نکرد، بلکه با اعلام مسابقه‌ای جدید در باب اتحادیه گمرکی آلمان بر زخم او نمک پاشید، زیرا وی در رساله‌اش به تفصیل درباره اهمیت این اتحادیه بحث کرده بود. لیست قول یکی از «شخصیت‌های متنفذ» پاریس را که به او گفته بود آکادمی «لانه راهزنان» است قبول داشت.

لیست که جایزه را نبرده بود، نظام طبیعی اقتصاد سیاسی را که با شتاب نوشته شده بود کنار گذاشت و توجه خود را به نظام ملی اقتصاد سیاسی که در ۱۸۴۱ منتشر شد معطوف نمود. با اینکه دستنویس نظام طبیعی اقتصاد سیاسی تا سال انتشار یعنی ۱۹۲۷ در بایگانی آکادمی علوم سیاسی فرانسه خاک می‌خورد، خیلی فراتر از دستنویس اولیه، نظام ملی اقتصاد سیاسی است. کتابی مستقل است که مرحله‌ای مهم از تحول اندیشه اقتصادی لیست را نشان می‌دهد. از آنجا که لیست زمانی محدود داشت ناگزیر به رعایت اختصار بود. با اینکه حجم این رساله نصف نظام ملی اقتصاد سیاسی است همه نکات آن را دربردارد. همان‌طور که ویراستاران نظام طبیعی اقتصاد سیاسی اظهار می‌نمایند: «تعالیم مهم و اساسی لیست به‌طور کامل در این کتاب شکل گرفته است. از همه مهم‌تر نظریه مراحل رشد اقتصادی است که به‌عنوان زمینه اصلی اندیشه تاریخی لیست بیان می‌شود. لیست بارها در این رساله توضیحات روشن، منظم و کوتاهی درباره عقاید و نظریات مهم خود می‌دهد که در آثار دیگرش به این روشنی بیان نشده‌اند.»

اهمیت نظام طبیعی اقتصاد سیاسی فقط در دفاع لیست از سیاست حمایت محصولات داخلی نیست، بلکه بیشتر در ترها و نظریه‌های جدید یا نسبتاً جدیدی است که در آن مطرح شده است. اقتصاددانان کلاسیک به مسأله جمعیت، ارزش مبادله، پول، اجاره بها و تخصیص منابع کمیاب

پرداخته بودند، اما لیست بحث مراحل رشد اقتصادی، توان یا قدرت تولید و صنعتی شدن کشورهای عقب مانده را مطرح کرد. کسانی که لیست را صرفاً پرچمدار حمایتگری شمرده اند رعایت انصاف را نکرده اند و به اهمیت واقعی نوشته های او پی نبرده اند. در اوایل سده نوزدهم، کم نبودند کسانی که سنگ حمایت از تولیدات داخلی را به سینه می زدند. شاپال، دوپن و فربه در فرانسه، و الکساندر هامیلتون و ماتیوکاری در آمریکا از ممنوعیت واردات و وضع عوارض گمرکی بر آن جانبداری کرده بودند، تا صنایع داخلی را محافظ کنند. و در انگلیس نیز از وضع قوانین غله، قانون دریانوردی و حق تقدم در تجارت بین المللی فراوان حمایت می شد. اما آنچه لیست در اختیار خوانندگان خود گذاشت، تکرار بحث های عادی این نویسندگان نبود. وی ممنوعیت، عوارض گمرکی بر واردات و یارانه ها را روشی تلقی می کرد که دولت با توسل به آن که به زعم لیست مهم ترین روش بود، می تواند توسعه اقتصادی کشور را ترویج کند. به نظر او تعرفه وسیله ای برای دستیابی به هدف بود. هدف سیاست حمایت از محصولات داخلی از دیدگاه لیست، ایجاد جامعه ای صنعتی و شهری بود. این ارض موعودی بود که لیست به پیروان نظریه ها و پویندگان سیاست های پیشنهادی خود وعده می داد.

لیست می گفت که در جامعه صرفاً روستایی و کشاورزی، تکیه بر توانایی جسمی کسی است که روی زمین کار می کند و از «توانایی های فکری و روانی و اخلاقی خبری نیست». از سوی دیگر جامعه شهرنشین صنعتی «همه نیروهای فکری و اخلاقی را فرا می خواند و رشد آن را تسریع می کند». لیست صنعت را پدر و مادر علم، ادبیات، هنر، روشنگری، آزادی، نهادهای مفید و استقلال ملی می دانست. وی شهر صنعتی را کعبه آمال مدیران اقتصادی مبتکر و نوآور و کارگران متخصص و ماهر می دانست که در آنجا برخلاف محیط های روستایی می توانند به آمال و آرزوهای خود جامع عمل بپوشانند. وی کلید پیشرفت آموزشی و فرهنگی را در رشد شهرهای صنعتی

می‌دانست. به عقیده لیست جامعه صنعتی و شهری است که می‌تواند امکانات پیشرفت علم و هنر را در اختیار شهروندان خود بگذارد. چنین تمدنی است که می‌تواند مدرسه بسازد، دانشگاه تأسیس کند، تئاتر، اپرا، تالار موسیقی، موزه و تالارهای هنری داشته باشد. اما لیست این را نمی‌گوید که کارگران کارخانه‌های دهه ۱۸۳۰ ناگزیر بودند که ساعت‌های طولانی کار کنند و مزد ناچیزی بگیرند. بسیاری از آن‌ها زاغه‌نشین بودند، غذایشان بسیار بد بود و به انواع بیماری‌های ناشی از کار در محیط صنعتی مبتلا بودند. تأمین شغلی نداشتند و همیشه در معرض خطر از دست دادن شغل خویش، در دوره‌های کساد بازار، بودند. در شهرهای کارخانه‌ای، زندگی خوبی که لیست وعده آن را داده بود در انتظارشان نبود. تصویر رویایی زندگی کارگران شهری زاینده خیال و پرداخته ذهن وفاد خود لیست بود و به چهره خشن زندگی در کارخانه - شهرهای آن زمان شباهتی نداشت.

لیست پس از آن توضیح می‌دهد که چگونه کشوری عقب‌مانده می‌تواند رشد اقتصادی خود را تشویق و تقویت و در راهی هدایت کند که سرانجام از برکت‌ها و مزیت‌های جامعه‌ای صنعتی برخوردار گردد. وی معتقد بود که این مهم از راه پرورش «توان‌ها» یا «قوای مولد» انجام شدنی است. قوای تولید لیست از «نیروهای تولیدی» شارل دوپن که در کتاب آمار اقتصادی فرانسه به سال ۱۸۲۷ بحث شده بود، تا حدی متفاوت بود. دوپن گفته بود «منظور من از نیروهای مولد و بازرگانی در فرانسه مجموعه نیروهایی است که انسان‌ها، حیوانات و طبیعت در کارهای کشاورزی، کارگاهی و مشاغل بازرگانی اعمال می‌کنند». نظریه (دکترین) «قوای تولیدی» لیست خیلی فراتر از این بود، زیرا نهادهای سیاسی، اداری و اجتماعی، منابع طبیعی و انسانی، تأسیسات صنعتی و تأسیسات عمومی را دربر می‌گرفت.

لیست عقیده داشت که کشورها پیش از اینکه بتوانند رشد «قوای تولید» خود را راه بیندازند باید نهادهای سیاسی و اجتماعی مناسب را ایجاد

کرده باشند. لغو بردگی و نیمه بردگی^۱، پایان یافتن خودکامگی و حکومت فردی، استقرار حکومت قانون و ایجاد امنیت برای جان و مال مردم، زمینه اساسی و شرط لازم رشد اقتصادی بود. وجود استقلال سیاسی و دموکراسی در سطح ملی و محلی نیز بسیار ضروری بود. از منابع طبیعی هر کشور به ویژه زمین های کشاورزی و معادن باید به بهترین وجه ممکن استفاده شود. اگر تورب، زغال سنگ، الوار یا سنگ آهن وجود دارد، می توانند پایه صنایع مهم قرار گیرند. تخصص ها و مهارت های مردم - به ویژه جوانان - باید از راه تدارک آموزش و پرورش ابتدایی مؤثر و سال برای همه کودکان و امکانات آموزشی مناسب در دانشگاه ها و دانشکده های فنی برای صاحبان استعداد بیشتر، پرورش داده شود. ملتی که خوب تحصیل کرده و به تعداد کافی مدیر با کفایت و کارگر ماهر و متخصص داشته باشد، می تواند از منابع طبیعی کشور خیلی بهتر بهره برداری کند. این کار از مردمی نادان و عقب مانده بر نمی آید. فردریک لیست متخصصان، کارمندان دولت و مقام های دولت های محلی را در زمره کسانی می دانست که به افزایش «قوای تولیدی جامعه» کمک می کنند. این بخش از جامعه مواد غذایی یا کالای صنعتی تولید نمی کند، اما غیر مستقیم در تولید آن ها مؤثر است. قاضیان و پاسبانان که حافظان نظم و قانونند، نیروهای مسلح که از کشور دفاع می کنند، پزشکان که پاسدار سلامت جامعه هستند، آموزگاران که نسل آینده را می پرورانند و روحانیون که معیارهای اخلاقی را موعظه می کنند مانند کارگران کارخانه ها و معادن اعضای مفید جامعه هستند.

ساخت کارخانه های جدید و بهره برداری از منابع جدید نه فقط تولید صنعتی را افزایش خواهد داد بلکه برای نسل های آینده نیز موهبتی خواهد بود. لیست بهبود امکانات حمل و نقل را به دست دولت یا شرکت های خصوصی برای «قوای تولیدی» کشور بسیار مهم می دانست. ساخت شبکه

راه‌ها، راه‌آهن و کانال‌ها و ساختن پل‌ها، بندرها برای تسهیل جریان مواد خام به کارخانه‌ها و رساندن تولید آنها را به دست مصرف‌کنندگان داخلی و خارجی ضروری می‌شمرد. لیست خود را در امور حمل و نقل صاحب‌نظر می‌دانت، زیرا که کشیدن راه‌آهن تا کاکوا - بندر کلیتون در پنسیلوانیا و لاپیزیک - درسدن در ساکسونی، مشارکت داشت. توسعه ناوگان تجاری و رشد صنایع کشتی‌سازی و ماهیگیری، موجب رونق تجارت خارجی خواهد شد. لیست برای افزایش «بنیه تولید» کشور راه‌های دیگر را از قبیل بریایی نمایشگاه‌های صنعتی، اعطای پاداش به مخترعان، تشویق به مهاجرت کارگران ماهر و متخصص خارجی و کمک به تولیدکنندگان برای بازدید کارخانه‌های خارجی را نیز توصیه می‌کرد.

لیست می‌گفت که هیچ‌یک از این شیوه‌های تشویق رشد «بنیه تولیدی» در کشور، به اندازه وضع ممنوعیت‌ها و عوارض گمرکی به منظور پشتیبانی از تولیدکنندگان در بازار داخلی در برابر رقابت کشورهای صنعتی پیشرفته‌تر مؤثر نیست. او حمایت از صنایع جدید را توصیه می‌کرد که اگر به حال خود رها می‌شدند حریف رقیبان کارکشته خارجی نبودند و از پا در می‌آمدند. از سوی دیگر وی معتقد بود که کشاورز به این نوع حمایت‌ها نیاز ندارد. درجه حمایتی که لیست پیشنهاد می‌نمود از کشوری به کشور دیگر و از کالایی به کالایی دیگر فرق می‌کرد. برخی از تولیدکنندگان کالاهای صنعتی را می‌توان از راه منع ورود همه کالاهای خارجی حفظ کرد، اما برخی دیگر به حمایت‌های گمرکی متعارفی نیاز دارند. لیست معتقد بود که در صورت لزوم، عوارض گمرکی باید به سرعت عوض شود. برای مثال ورود ناگهانی مقادیر هنگفتی از محصولی خاص، باید بی‌درنگ با افزایش عوارض گمرکی رو به رو شود. لیست از معایب احتمالی تعرفه‌های گمرکی به خوبی آگاه بود. منع ورود کالا و افزایش عوارض گمرکی قیمت آن‌ها را برای مصرف‌کنندگان بالا می‌برد و بازار قاپچاق را گرم می‌کند، اما ممکن است شرایطی پیش آید که

وضع تعرفه‌های عمومی اجتناب‌ناپذیر گردد. برای مثال مقادیری هنگفت از کالای صنعتی انگلیسی، بعد از سقوط نظام قاره‌ای به قاره اروپا فرستاده شد، تا جایی که صنایعی که در طول جنگ‌های ناپلئونی ایجاد شده بودند، در معرض خطر نابودی قرار گرفتند. فقط ایجاد موانع تعرفه‌ای بود که بقای آن‌ها را ممکن ساخت.

راه‌های گوناگونی که لیست برای تقویت «بنیه تولیدی» کشورها توصیه می‌کرد، مستلزم از خودگذشتگی مردم بود. منع ورود محصولات خارجی یا وضع عوارض گمرکی بر آن‌ها، به هر حال به این معناست که مردم به ناچار به جای کالای مرغوب و ارزان خارج باید کالاهای مرغوب را به بهای گران بخرند. مردم ناگزیر خواهند بود، برای تأمین هزینه ساخت جاده‌ها و کانال‌ها، تأسیس آموزشگاه‌های فنی و برپایی نمایشگاه‌های صنعتی مالیات بیشتر پردازند. لیست تصور می‌کرد که به حکم عقل می‌توان از مردم انتظار داشت که این نوع فداکاری‌های مالی را انجام دهند، تا رونق اقتصادی آینده کشور را تسریع نمایند. شهروندان عادی کشور به خاطر فرزندان و نوادگان خویش فداکاری خواهند کرد. مالکی برای فرزند خود تحصیلات خوبی فراهم می‌کند و او را به خارج می‌فرستد تا فنون کشاورزی را یاد بگیرد. برای این پول خرج می‌کند که ملک او بعد از بازنشستگی وی خوب اداره شود. کشاورزی که باغ احداث می‌کند، ممکن است خودش میوه‌های آن را نچیند، اما فرزندان و نوادگان او نسبت به تلاش او حق شناس خواهند بود. لیست معتقد بود که آنچه را شهروندان معمولی دوراندیش، برای نسل‌های بعدی انجام می‌دهند دولت هم باید انجام دهد و اصرار می‌ورزید که منافع فوری باید فدا شود تا رشد اقتصادی آینده کشور تضمین گردد.

لیست واضح نظریه مراحل رشد اقتصادی نیز بود. معیار او برای تشخیص مراحل مختلف رشد، درجه پیوند اقتصاد روستا، منطقه یا کشوری با اقتصاد کشورهای دیگر بود. مرحله اول توسعه اقتصادی لیست، انزوا و

خودکفایی است که دهقانان و صنعتگران غذا و کالاهای صنعتی مورد نیاز خود را تولید می‌کردند. روستا تماس و ارتباط چندانی با روستاها و آبادی‌های مجاور خود نداشت. مرحله دوم وقتی آغاز شد که روستاها با نزدیک‌ترین شهر مجاور تماس برقرار کردند. این آمیزش با اقتصاد شهری موجب شد که دهقانان و صنعتگران به ایده‌ها و فنون جدیدی دست یافتند. کشاورزی و صنایع دستی در این مرحله پیشرفت کردند و جریان مبادله کالا بین نواحی شهری و روستای برقرار شد. مرحله سوم لیست، مرحله‌ای بود که با توسعه ارتباطات، کارگاه‌های روستایی و کارخانه‌های شهری محصولات صنعتی مورد نیاز تمام کشور را تأمین کردند. درست همان‌طور که روستایی منزوی در مرحله اول توسعه اقتصادی خودکفا بود، اکنون در مرحله سوم به جای روستایی خودکفا، کشوری خودکفا وجود دارد. در مرحله چهارم کشور با کشورهای مجاور تماس برقرار می‌کند و برخی از مواد خام و مواد غذایی مورد نیاز خود را وارد می‌کند و به جای آن برخی از محصولات صنعتی را صادر می‌کند. همه این نظرها در مقایسه، با نظریه‌های پیشرفته امروز ممکن است ابتدایی به نظر آیند، اما لیست نخستین کسی است که مراحل رشد اقتصادی را تشخیص داده و او به حق صاحب امتیاز این نظریه است. ارزش و اعتبار نظام طبیعی اقتصاد سیاسی در برداشت‌های جدید آن درباره اقتصاد است، تحلیل «بنیه تولید» ملت و نظریه مراحل رشد اقتصادی. کتاب به مسائلی پرداخته است که سال‌ها پس از درگذشت لیست مطرح بوده‌اند. در نیمه دوم قرن بیستم هم کسانی که به توسعه اقتصادی کشورهای جهان سوم علاقه‌مند باشند، می‌توانند از عقاید و نظریات او الهام بگیرند. اشتها حقیقی لیست چنان که فون لا می‌گوید، در این است که او «پیامبر و مبلغ تحقق رویاها و آرزوهای کشورهای توسعه نیافته» بود و نه فقط مدافع قهرمانانه از حمایت محصولات داخلی. اما نظام طبیعی اقتصاد سیاسی عاری از خطا نیز نبود. فردریک لیست، همیشه توانایی دولت را در به حرکت درآوردن چرخ‌های

توسعه بیشتر از آنچه هست می‌پنداشت. او بارها و بارها کامیابی هر ملت را در برهه‌هایی از تاریخ ناشی از عمل و اقدامات خردمندانه دولت می‌دانست. (نظام ارشادی سازنده) رشد صنعت و تجارت فرآیندی پیچیده است، که از تأثیر متقابل عوامل بسیار متأثر است. سیاست دولت یکی از عوامل است و لزوماً مهم‌ترین آن‌ها هم نیست. لیست بارها گفته است که نظام قاره‌ای برای بخش‌هایی از اروپا که در قلمرو ناپلئون قرار داشتند، رونق و رفاه به ارمغان آورد و گشایش بندرها بعد از شکست او دوره رکودی اقتصادی را در پی داشت، زیرا سیل کالاهای صنعتی ارزان انگلیس به بازارهای اروپا سرازیر گشت. این امر، که اقتصاد فرانسه و اقمار او در روزگار ناپلئون شکوفا شده است، حقیقت ندارد. برخی از مناطق مانند ساکسونی و روثن و برخی از بخش‌های صنعتی از سیاست اقتصادی امپراتور منتفع شدند. اما به نظر هکشر مناطق دیگر مانند گراند دوشه اف برگ که رور را هم در بر می‌گرفت «از نظام قاره‌ای آسیب دیدند.» همچنین لیست می‌گفت که در مراحل اولیه صنعتی شدن نرخ‌های بهره همیشه بالا است. این امر در زمان لیست در فرانسه صادق بود، اما در نیمه قرن نوزدهم در انگلیس چنین نبوده است.

ضعف دیگر نوشته لیست این بود که «صاحبان صنعت» و «صاحبان کشاورزی» را دو گروه منسجم اجتماعی می‌دانست که هر کدام منافع اقتصادی خود را دنبال می‌کند. همه تولیدکنندگان کالاهای صنعتی یکسان نمی‌اندیشند و آنهایی که معیشت خود را از زمین تأمین می‌کنند نیز یکسان فکر نمی‌کنند. صنعتگران مختلف (تولیدکنندگان آهن، تولیدکنندگان پارچه) و کشاورزان مختلف (رمة داران، پرورش دهندگان گاو شیرده، دیمکاران، نهالکاران) ممکن است منافع متضاد داشته باشند و در زمان‌های مختلف از سیاست‌های مالی متفاوتی حمایت کنند. و در درون یک صنعت همانند نساجی نیز ممکن است گروه‌هایی مانند، بافندگان، ریسندگان، و رنگرزان باشند که منافع متفاوتی داشته باشند.

همچنین دربارهٔ حملهٔ شدید لیست به تجار نیز باید توضیحی داده شود. این البته از کسی که روزی در سازماندهی اتحادیهٔ بازرگانان آلمان سهم شایسته‌ای داشت بعید می‌نماید. لیست بازرگانان را به باد انتقاد می‌گرفت، زیرا فعالیت‌های آن‌ها را ضد اجتماعی می‌دانست. آن‌ها را متهم می‌کرد که هر چیزی را به هر کس می‌فروشتند و پروایی ندارند که معاملات آنان ممکن است به نفع مردم کشور نباشد. فروش اسلحه و مواد مخدر را ناروا می‌دانست. گویا فراموش کرده بود که این نوع آدم‌ها در مشاغل دیگر هم هستند.

سرانجام به انتقاد لیست از آدام اسمیت و پیروان او باید اشاره کرد. لیست نظریه‌های آدام اسمیت را «اقتصاد جهانی» نامید و اعلام نمود که برپایهٔ اصل صلح فرضی در جهان بنا شده است. لیست موعظه می‌کرد که «برخورد بین کشورها به زور اسلحه یا به وسایل دیگر، باید جای خود را به اتحاد همهٔ مردم جهان بدهد که زیر چتر قانون جهانی زندگی می‌کنند. جمهوری جهانی ژان باتیست سه باید ایجاد شود تا رویاهای طرفداران تجارت آزاد تحقق یابد.» تصور لیست دربارهٔ اینکه آدام اسمیت تقسیم جهان را به ملت‌های بسیار که هر یک در پی تأمین منافع اقتصادی و سیاسی خویشانند نادیده گرفته است، درست به نظر نمی‌رسد. آدام اسمیت روشن ساخته بود که نخستین وظیفهٔ حکومت، محافظت کشور از تهاجم خارجی است و برای این کار نیروی نظامی لازم است. او گفته بود که هنر جنگ شریف‌ترین هنرهاست.^۱ آدام اسمیت با پرداخت جایزه به صادرات باروت و پارچه‌ای که در قایق‌های بادبانی به کار می‌رفت موافق بود، تا تولید کالاهایی که در زمان

۱. پس نگرش متناقضی است. یکجا از منافع مشترک برای دیگران صحبت می‌کند یکجا به خود که می‌رسد از هنر دفاعی و جنگجویی بحث می‌کند. اگر منافع مشترک حاکم است و باید آزادی تجارت همه جا رواج داشته باشد، پس نگرانی از تهدید دیگران به چه معنی است؟

جنگ اهمیت دارند تشویق شود. بارها از کتاب ثروت ملل او نقل شده است که «چون توانایی دفاع بسیار مهم‌تر از ثروت است، قانون دریانوردی انگلیس از همه قانون‌های تجارتی او خردمندانه‌تر است» برخی از ضعف‌های نظام طبیعی اقتصاد سیاسی را می‌توان به سابقه تجارب قبلی او نسبت داد. با اینکه مدتی کوتاه استاد دانشگاه توپینگن بود، دانشگاهی نبود. او سیاستمدار، روزنامه‌نگار و از ارباب کسب و کار بود. رساله‌ای که برای آکادمی علوم سیاسی فرانسه نوشت، نخستین کوشش وی برای ارائه کامل عقاید و نظریه‌های اقتصادیش بود. هر یک از فصل‌های این کتاب می‌توانست مقاله‌ای برای چاپ در روزنامه‌ای باشد. این لیست روزنامه‌نگار است که بی‌پروا تعمیم می‌دهد، مبالغه می‌کند و به مخالفان خویش می‌تازد.

مقدمه فردریک لیست

در دانش اقتصاد، نظریه و عمل از یکدیگر جدا هستند و این به زبان هر دو تمام می‌شود. اقتصاددانان، اهل عمل را سرزنش می‌کنند که دچار روزمرگی هستند و حقیقت یا عظمت نظریه‌های اقتصاددانان را درک نمی‌کنند. مردان عمل نیز اقتصاددانان را صاحب عقاید نظری می‌دانند که حقایق زندگی را نادیده می‌گیرند و دنیای نظریه‌های اقتصادی آنان همه‌اش خواب و خیال است.

نتیجه این شده است، که دانش اقتصاد به متعالی‌ترین هدفش که روشن ساختن سیاست‌های محرک اقتصاد و پیشرفت و توسعه است، دست نیافته و اصحاب عمل نیز تغییر نکرده‌اند، زیرا امروزه مانند گذشته اسیر امور روزمره هستند.

یقین دارم، که در دنیایی کامل‌تر، اقتصاددانان احکامی درست و منطقی پیش پای مردان عمل خواهند گذارد و در عین حال مردان عمل اطلاعات و نتایج را در اختیار اقتصاددانان قرار خواهند داد، که نظریه‌هایشان را تأیید خواهد کرد و آنان را قادر خواهد ساخت، تا نظریه‌های جدیدی را کشف کنند.

کسانی که هم اقتصاددانند و هم دستی در میدان عمل دارند،

نمی‌توانند انکار کنند، که هر دو طرف مرتکب خطا شده‌اند. تاکنون همه بنیانگذاران مکاتب جدید اندیشه اقتصادی و پیروان آنها به تجربه‌های دنیای واقعیت‌ها - همان تجربه که مورد تأیید همه مردان عمل قرار گرفته است - توجه کافی نکرده‌اند. اقتصاددانان در مورد نتایج استدلال خویش، حتی آنگاه که این نتایج با آنچه که مردم همیشه درست و عاقلانه می‌دانسته‌اند، مغایر بوده است، اعتمادی مفرط نشان داده‌اند. حتی اشخاصی ارزشمند مانند آدام اسمیت، به کسی که نظریات موهوم او را بر اساس تجربه عملی نادرست بدانند، انگ «حیوانی حیل‌گر و حق‌باز» می‌زند. پیروان و شارحان فرانسوی این نویسنده شهر نیز به همین ترتیب دربارهٔ اصحاب تجربه و عمل ناسزا می‌گویند. با وجود این در همهٔ دوران‌ها در میان ملت‌های پیشرفته، مردان بزرگ بسیاری بوده‌اند که فهم و هوش و تجربهٔ وطن‌پرستی‌شان موجب شده است، تا مردمان معاصر آنها، آنان را رهبرانی بزرگ بدانند. آیا شخصی بی‌طرف پیدا می‌شود، که به ارزش خدمات آنان یا دیدهٔ تردید بنگرد یا ادعا کند که مردانی با آن همه قابلیت و توانایی، در طول قرن‌ها نقش احمق‌ها را بازی کرده‌اند؟

از سوی دیگر باید پذیرفت که، در مجموع مردان عمل همیشه حاضر و آماده بوده‌اند تا مسایل اقتصادی را صرفاً از دیدگاه خود ارزیابی و قضاوت کنند. آنان انجام مطالعهٔ کامل نظریه‌های اقتصادی را که می‌تواند خطاهای اقتصادشناسان را برایشان روشن سازد و به رد نظریه‌ها بی‌انجامد مردود شمرده‌اند.

فریه، نویسندهٔ فرانسوی که دانش نظری را با تجربهٔ عملی درهم آمیخت، نمونه خوبی است. اظهارنظرهای او غالباً به نتایجی حیرت‌انگیز انجامیده است. با کمال تأسف استدلال‌های وی بر اصولی بنا شده‌اند، که از دیرباز غلط از آب درآمده‌اند.

مردانی که در زندگی اجتماعی مسئولیت‌های بزرگی بر دوش دارند،

می‌کنم. معتقدم که برای پاسخ به پرسش آکادمی باید ثابت نمایم که:
الف - نظریه‌های این دو اقتصادشناس بزرگ نقص‌ها و کاستی‌های مهمی دارد.

ب - و اینکه این کاستی‌ها مبین ناسازگاری نظریه و عمل در علم اقتصاد است و نیز مبین مشاجره بین نظریه‌پردازان و مردان عمل است.

ج - حقیقت در فاصله بین نظریه غالب تجارت آزاد و شیوه‌های تجارتي معمولی امروز قرار دارد.

من دشواری وظیفه‌ای را که بر عهده گرفته‌ام، درک می‌کنم، زیرا خود به نبوغ سرشار اقتصادشناسانی که قصد انتقاد از آن‌ها را دارم واقفم و می‌دانم که نظریه‌های آنان را بسیاری از اشخاص صاحب استعداد فراوان پذیرفته‌اند. با این بضاعت اندک باید از پرداخت به چنین وظیفه‌ای دشوار دوری می‌جستم، اما از شکل سؤال آکادمی علوم سیاسی و اخلاقی فرانسه و توضیحات راهنمای آن دریافتیم که این آکادمی نظریات آدام اسمیت و ژان باتیست سه، را بی عیب و نقص دانسته، که با موفقیت قابل اجرا می‌باشند.

در حقیقت تاریخ همه ایده‌های جدید نشان می‌دهد که پیشرفت انسان با پذیرفتن بی‌چون و چرای نظریه‌های متفکران بزرگ و بدون انتقاد از آنها ادامه نیافته است. اگر روحیه انتقاد نباشد، جانشینان و اخلاف این مردان بزرگ نمی‌توانند کاستی‌های نظریه‌های آنان را بزدایند. با گذشت زمان، اشخاص خردمند در همه جا می‌پذیرند که نظریه‌های متفکران بزرگ گذشته، باید به دست اخلافتان تکمیل شود و بهبود یابد.

از آنجا که من هم اقتصاد شناسم و هم مرد عمل و کسب و کار، از مزیت‌هایی برخوردارم که ممکن است، بضاعت فکری اندکم را جبران کنند. نه تنها سالها نظریه‌های مکتب‌های اقتصادی گوناگون را مطالعه کرده‌ام، بلکه واقعیت‌های راستین زندگی را نیز لمس نموده‌ام. همه کشورهای پیشرفته جهان را دیده‌ام و صنعت، تجارت، کشاورزی و نظام مالی آنها را مطالعه

کرده‌ام.

وقتی که بحث به تجارت آزاد کشیده می‌شود، فاصله اهل نظر و اهل عمل از زمین تا آسمان است. نظریه تجارت آزاد ابتدا مورد حمایت کینه و پیروان فیزیوکرات او قرار گرفت. دیدگاه‌های آنان بر اصول جهانی متکی بود. آنان سه موضوع را مطرح می‌کردند که خطا و غیرقابل قبولند. نخست اینکه، فقط کشاورزی مولد ثروت است و دوم اینکه، صنعت نیازی به حمایت ندارد و سوم اینکه، کشاورزی وقتی شکوفا می‌شود که تجارت با هیچ محدودیتی رو به رو نباشد.

آدام اسمیت با استدلالی دیگر به همین نتیجه رسید. وی اعلام کرد که بهترین راه برای به گردش درآوردن چرخ‌های اقتصاد این است، که آن را به حال خود رها کنیم. تولید صنعتی و کشاورزی و تجارت باید به بخش غیر دولتی واگذار شود. دخالت دولت، سرمایه و صنعت را در مجراهای کم منفعت می‌اندازد. آدام اسمیت، عقیده داشت که اگر دولت در پی افزایش رفاه ملی باشد تنها کاری که باید بکند این است که هرگونه مانع و محدودیتی را از پیش پای تولید و تجارت خارجی بردارد. اسمیت توصیه می‌کرد که آرامش داخلی باید برقرار و تجارت و حمل و نقل از امنیت برخوردار باشد، تا کشور به حداکثر رونق و رفاه دست یابد. او معتقد بود که هر کشوری از مزیت‌های ویژه برخوردار است، که بهره‌برداری کامل از آنها مستلزم آزادی تجارت جهانی است. وی تصور می‌کرد که صادرات همیشه با وارداتی با ارزش برابر متوازن خواهد شد و بین تجارت سکه با چیزهای دیگر تفاوتی وجود ندارد. آدام اسمیت می‌گفت: که بریتانیا برغم - و نه به سبب - وجود موانع تجارتي قدرتمند و ثروتمند شده است. می‌گفت که عوارض گمرکی امتیازات و انحصاراتی ایجاد می‌کند که به نفع گروه‌هایی خاص تمام می‌شود، اما به حال مصرف‌کنندگان و در مجموع به حال جامعه زیانبار است. او وضع عوارض گمرکی تلافی‌جویانه در برابر تعرفه‌های گمرکی کشورهای دیگر را محکوم

می‌کرد، زیرا چنین سیاستی همان قدر که به کشور دیگر صدمه می‌زند به کشوری که عوارض گمرکی وضع کرده است آسیب می‌رساند.

آدام اسمیت و پیروان و جانشینانش برپایه همین ملاحظات هر نوع ممنوعیت، محدودیت و وضع هر نوع عوارضی را بر واردات یا صادرات به منظور حمایت از صنایع مردود شمرده‌اند. آنان می‌پذیرند که در شرایط کنونی، الغای فوری همه موانع و محدودیت‌های تجاری غیرممکن است، اما به رفع تدریجی این نوع محدودیت‌ها پافشای می‌کنند. تاجر جماعت در هر جای دنیا که باشد، فقط به منافع خصوصی خویش می‌اندیشد و با حامیان تجارت آزاد همصدا می‌گردد و در بند صحت و سقم این سیاست مالی نمی‌باشد. از آنجا که تاجران صرفاً از مبادله محصولات و کالاها سود می‌برند، هر نوع وضع عوارض گمرکی بر واردات و ایجاد هر نوع محدودیتی را برای کسب و کار بد می‌دانند و به همین سبب شعار «آزادی عمل، آزادی قدم»^۱ را اختراع کرده‌اند و از آن حمایت می‌کنند. به استثنای صاحبان کشتی که اعطای کمک و اعانه برای کشتیرانی تجارتي و صنعت ماهیگیری را ضروری می‌دانند و می‌گویند که نیروی دریایی بدون وجود ناوگان تجارتي وجود نخواهد داشت.

حقوق بگیران و مستمری بگیران نیز همین نگرش را می‌پذیرند. زیرا نفعشان در این است که مایحتاج خود را هر چه ارزان‌تر بخرند. ایده‌های تولیدکنندگان کالاهایی صنعتی نسبت به تجارت آزاد با ایده‌های کشاورزان بسیار متفاوت است. صنعتگران تصور می‌کنند که آزادی تجارت در مورد مواد غذایی، سوخت و مواد خام مطلوب است. زیرا بهای این کالاها هر چه پایین‌تر باشد، بهتر می‌توانند با رقیبان خارجی چه در داخل کشور و چه در خارج آن رقابت کنند. البته تحقق درخواست‌های تولیدکنندگان صنعتی دشوار است، زیرا «مواد خام» را می‌توان به چندین روایت تعریف کرد.